

زمان: دوشنبه، ۱۸ ذی حجه سال ۱۰ هجری قمری، اول فروردین

سال ۱۱ هجری شمسی، ۱۸ مارس سال ۶۳۲ میلادی

مکان: جُحْفه، آبگیر خم، منزلی در مسیر مکه تا مدینه

## روز غدیر خم ۷۰ روز تا رحلت

### پیامی برای همیشه تاریخ

رسول خدا ﷺ روز پنجشنبه، چهاردهم ذی حجه از مکه خارج شدند و صبح امروز-دوشنبه- وارد منطقه جُحْفه می شوند تا پس از اقامه نماز، در این وادی، وارثان واقعی دین الاهی یک به یک معرفی گردند و مردمان بدانند که همواره حجّتی زنده بر روی زمین خواهد بود تا پاسدار حریم الاهی باشد و نمونه بی مانند انسان کامل را در هر عصر حکایت نماید.

این خطابه، یادگاری می شود تا هجدهم ذی حجه با نام عید غدیر، برترین عید الاهی معرفی گردد و پیامی باشد برای تمامی نسل بشر، تا به روز قیامت؛ برای آنان که به دنبال هدایت اند و جویای سعادت.

### چرا غدیر؟

بهترین مکان برای ابلاغ چنین پیامی، می توانست با حضور حاجیان در شهر مکه و یا وادی منا و عرفات صورت پذیرد؛ اما رسول خدا ﷺ

برای آن که در گرما گرم انجام مناسک حج، ابلاغ این امر مهم کم‌رنگ نگردد، وادی غدیر خم را برگزیدند. جایی که نزدیک به ۲۰۰ کیلومتر از مکه فاصله دارد و مکانی وسیع که جز برکهٔ خم و چند درخت - که جای‌گاه ایراد خطابهٔ غدیر گردید - هیچ عامل طبیعی نیز توجه حاضران را پراکنده نمی‌کند؛ چراکه این ابلاغ، ابلاغی است که رسالت بی‌آن ناتمام خواهد ماند.

از سوی دیگر، در پی خطابه، پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دستور می‌دهند که تمام حاضران در غدیر با امیرمؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام بیعت کنند. بدین ترتیب، بیش از صد هزار نفر با حضرت بیعت می‌کنند که سه روز به طول می‌انجامد. بهترین منزل‌گاه در طول مسیر، برای تأمین سه روزهٔ آب مورد نیاز چنین جمعیتی، آب‌گیر خم است.

نکتهٔ دیگری که نباید به آن بی‌توجه بود، خطر اهل نفاق است. پس از ایراد خطبه‌ای چنین مهم - که آینده اسلام را ترسیم می‌کند - دور از ذهن نخواهد بود که برخی ناهلان، قصد جان آن حضرت را کنند. کوجه‌های تنگ مکه و ازدحام اطراف خانهٔ خدا، یا هیاهو و تب و تاب اعمال در منا و عرفات، می‌توانست چنین فرصتی را در اختیار توطئه‌گران قرار دهد.

از سوی دیگر هرج و مرج ناگهانی، پس از چنین توطئه‌ای، گریبانگیر جامعهٔ نوپای اسلامی می‌گردید. چنین غوغایی برای مؤمنان واقعی خطر جانی در پی داشت و احتمال این که بسیاری دیگر بلافاصله اعلام ارتداد کنند و اسلام را رها سازند نیز، می‌توانست از عواقب چنین آشوبی باشد.

چنین دلایلی می توانست، علّت خروج رسول خدا ﷺ از مکه باشد.

رسول خدا ﷺ تا پیش از ماجرای غدیر، سه بار ابلاغ را به تأخیر انداختند تا آنگاه که خداوند با تأیید خویش بر حفظ جان رسول خدا ﷺ و اسلام، پیامبر الاهی خویش را مدد می رساند:

﴿ وَ اللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ ﴾<sup>۱</sup>

﴿ و خداوند تو را از شرّ مردمان حفظ می کند ﴾.

بدین ترتیب خدای متعال آینده اسلام را با حفظ رسول اکرم ﷺ در آن جای گاه، تأیید نمود تا رسول خدا ابلاغ آن پیام را به تمام و کمال برساند.

پیامبر ﷺ آن چنان در رسانیدن پیام الاهی همّت گماردند که در طول تاریخ ماجرای غدیر و عبارت:

«مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْ مَوْلَاهُ»

«هر کس را که من مولای او هستم، پس این علی مولای اوست.»

جاودانه می شود. عبارتی که اگر آن را بی نظیر نخوانیم، به یقین از لحاظ سند و تواتر کم نظیر است.<sup>۲</sup>

این عبارت شاه نکته خطبه غدیر است. خطبه ای که بیش از یک

---

۱. مائده: ۶۷: از آیات نازل شده در ماجرای «غدیر خم» که پیامبر ﷺ در ضمن خطابه غدیر به آن اشاره فرمودند.

۲. برای بررسی بیشتر ر.ک. ذهبی، طرّق حدیث «من کنت مولاه فعلی مولاه»، انتشارات دلیل، قم، چاپ اول، ۱۴۲۱ هـ.ق، ص ۱۱: از منابع اهل تسنن.

ساعت به طول می‌انجامد و حاوی معارفی والاست. خطبه‌ای بانکات بی‌بدیل توحیدی، قرآنی و امامتی. خطبه‌ای که به دوازده امام اشاره می‌کند و پیام می‌دهد که علم الهی ائمه علیهم‌السلام مایهٔ هدایت بشر تا به روز قیامت است. پیامی برای سراسر اعصار و تمامی قرون.

### پنجمین اشاره به ثقلین

در این خطابه، فضائل بیشماری از امیرمؤمنان بازگفته می‌شود. همانند: حدیث منزلت، حدیث ثقلین،...

جالب آن‌که بخشی از خطبهٔ غدیر، آخرین موعود الهی، حضرت مهدی علیه‌السلام را معرفی می‌کند. گویی که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌خواهند آگاهان را هشدار دهند تا آنان بدانند که اسلام پس از ایشان دگرگون می‌شود. اولیاء الهی یک به یک به دست ظالمان به شهادت می‌رسند. خداوند است که باید آخرین امید را در پس پردهٔ غیبت نگهدارد تا روزی بیاید و اسلام را باز بخواند و دینی نو برافرازد؛ در زمانی که از اسلام جز اسمی و از قرآن جز رسمی باقی نمانده است. پیام آن چنان مهم است که شاهدان غدیر باید آن پیام را به غایبان برسانند؛ تا روز قیامت:

«فَلْيُبَلِّغِ الْغَائِبِ الْغَائِبِ وَالْوَالِدِ الْوَالِدَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ»<sup>۱</sup>  
 پس حاضران به غایبان و پدران به فرزندان تا به روز قیامت برسانند.

---

۱. قسمتی از خطبهٔ غدیر.

زمان: جمعه، ۲۲ ذی‌حجّه سال ۱۰ هجری قمری، پنجم فروردین  
سال ۱۱ هجری شمسی، ۲۲ مارس سال ۶۳۲ میلادی  
مکان: گردنه اُرشی، بین جحفه و ابواء. منزلی در مسیر مکه تا مدینه

## ۴ روز پس از غدیر ۶۶ روز تا رحلت

### توطئه منافقان

پیامبر ﷺ به جهت بیعت تمامی مسلمانان با امیر مؤمنان علیه السلام، سه روز گذشته را در غدیر خم توقّف کردند و سپس راهی مدینه می‌شوند.

در شب قبل و یا در آغازین ساعات بامداد امروز، بار دیگر خداوند به لطف بیکرانیش، جان پاک رسول خویش صلی الله علیه و آله و سلم را از گزند منافقان حفظ می‌کند تا صدق این آیه بر دوست و دشمن روشن شود:

﴿وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ﴾<sup>۱</sup>

﴿و خداوند تو را از شرّ مردمان حفظ می‌کند﴾

---

۱. مائده: ۶۷؛ از آیات نازل شده در ماجرای «غدیر خم» که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در ضمن خطابه

غدیر به آن اشاره فرمودند.

در مسیر حرکت پیامبر ﷺ، بین «جُحْفَه»<sup>۱</sup> و «أَبْواء»<sup>۲</sup>، منافقان با استفاده از تاریکی شب، نقشه قتل پیامبر ﷺ را که از قبل طراحی کرده‌اند، به اجرا می‌گذارند.

آنان تصمیم دارند در یکی از گردنه‌های مسیر، در جایی به نام «أَرشِي»<sup>۳</sup> کمین کنند و سنگ‌های بزرگی را به طرف شتر حضرت - که در جلوی کاروان در حرکت است - رها کنند تا برآمد و از کوه پرت شود. آنان نیز با استفاده از تاریکی شب به میان جمعیت برگردند. خداوند متعال، پیامبر خویش را از توطئه آگاه می‌سازد.

حُدَيْفَةُ بنِ یَمَان و عَمَّار یاسر، پیامبر ﷺ را در این مسیر، همراهی می‌کنند؛ یکی افسار شتر را در دست دارد و دیگری از پشت سر، شتر را راهنمایی می‌کند. همین که شتر به گردنه کوه آرش می‌رسد و می‌خواهد به سمت پایین راه خویش را پیش گیرد، منافقان سنگ‌های بزرگ را از بالای کوه رها می‌کنند. پیامبر ﷺ با یک اشاره به شتر فرمان توقف می‌دهند. با توقف شتر، سنگ‌ها بدون آسیب رساندن به شتر یا ترساندن وی به سمت پایین کوه می‌غلطند و حضرت سالم می‌مانند.

منافقان که این توطئه را نقش بر آب می‌بینند، هر یک به سویی فرار

۱. همان‌گونه که اشاره شد، جحفه، منطقه‌ای است در مسیر مکه تا مدینه که آبگیر و غدیر خم در این منطقه واقع است.

۲. ابواء: از منزل‌گاه‌های بین مکه و مدینه.

۳. این محل به صورت «هَرشِي» نیز ثبت شده است. ر.ک. مجلسی، بحارالانوار، المكتبة الاسلامیة، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۵ هـ.ش، ج ۲۸، ص ۹۹؛ همچنین نک. ابن اثیر، النهاية، دارالتفسیر، قم، چاپ اول، ۱۴۲۶ هـ.ق، ج ۵، ص ۲۶۰، ماده «هرش»؛ فیروزآبادی، قاموس المحيط، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۲۰ هـ.ق، ص ۸۳۰، ماده «هرش».

غدیر... ۷۰ روز بعد \* ۱۹

می‌کنند تا پس از عبور قافله بر سر شترهای خود روند و به کاروان ملحق شوند.

### حافظ سر

به لطف پیامبر ﷺ در این ماجرا عمّار و حذیفه منافقان را شناسایی می‌کنند. حذیفه در میان منافقان، کسانی را می‌بیند که باورش برای عموم مسلمانان بسیار مشکل است.<sup>۱</sup>

---

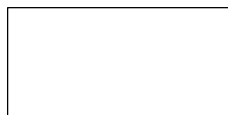
۱. دیلمی، ارشاد القلوب، دار الأسوة للطباعة و النشر، تهران، چاپ اول، ۱۴۱۷ هـ.ق، ج ۲،

ص ۱۹۵؛ بحار الانوار، ج ۲۸، ص ۱۰۰.

زمان: چهارشنبه، ۲۷ ذی حجه سال ۱۰ هجری قمری، دهم  
فروردین سال ۱۱ هجری شمسی، ۲۷ مارس سال ۶۳۲ میلادی  
مکان: مدینه منوره

۹ روز پس از غدیر

۶۱ روز تا رحلت



### پایان سفر

دیشب یا در آغازین ساعت‌های بامداد امروز، کاروان مسلمانان وارد مدینه می‌شود. اینک پیامبر ﷺ رسالت خویش را به پایان رسانیده‌اند و پس از سفر حج و آموختن مناسک آن به مسلمانان، در غدیر خم «اسلام مورد رضایت خداوند» را ابلاغ نمودند. در همین سفر، پیامبر ﷺ خود بارها فرمودند که عمر شریفشان رو به پایان است و باید که مأموریت‌های الهی خویش را به انجام رسانند. این سخنان به گوش منافقان نیز رسیده است. آنان یقین دارند که رسول خدا ﷺ جز راست نمی‌گوید. در نتیجه با آگاهی کامل از عمر کوتاه حضرت ﷺ، باید برای آینده برنامه‌ریزی کنند. نکته دیگری که آنان به روشنی می‌دانند، سستی ایمان و عهدشکنی شمار بسیاری از مسلمانان و کثرت منافقان است. البته اینان برای حفظ ظاهر، در تمام عبادات پیش قدم هستند و در



غدیر... ۷۰ روز بعد \* ۲۱

نمازهای جماعت در مسجد النبی در صفوف اوّل حضور دارند.  
این دنیا پرستان ظاهر فریب، می‌دانند که حتی در صورت آشکار و  
برملا شدن چنین توطئه‌ای در انظار عمومی جامعه، پیامبر ﷺ آنان  
را امان خواهد داد و همانند سلاطین و جباران روزگار، دست به قتل  
عام نخواهد زد. آنان نیز پیامبر ﷺ را پیامبر رحمت می‌دانند.

زمان: یکشنبه، اول محرم سال ۱۱ هجری قمری، ۱۴<sup>۱</sup> فروردین

سال ۱۱ هجری شمسی، ۳۱ مارس سال ۶۳۲ میلادی<sup>۲</sup>

مکان: مدینه منوره، مسجد نبوی

۱۳ روز پس از غدیر

۵۷ روز تا رحلت

### سفارش به اهل بیت

مدینه بستر حوادث است. در شهر شایعه شده است عده‌ای برای تغییر مسیر اسلام، پس از وفات رسول خدا ﷺ، تلاش می‌کنند. رسول خدا ﷺ مسلمانان را از عواقب چنین مسأله‌ای آگاه می‌سازند. آن حضرت - در همین ایام و - پس از بازگشت از «حجّة الوداع» در مسجد خویش چنین می‌فرماید:

«... بدانید که هرکس به علی و فرزندان او اقتدا کند، نجات خواهد یافت و هر کس از آنان روی بگرداند، گمراه خواهد شد. ای مردم

---

۱. در زمان پیامبر ﷺ آغاز سال قمری، ربیع الاول بود. خلیفه دوم و پیرو آن بنی امیه، آغاز سال را همانند دوران جاهلیت، محرم قرار دادند که تاکنون این رسم باقی است. در نتیجه اگر خوانندگان این کتاب در منابع اصلی، تاریخ برخی از این حوادث را، محرم سال ۱۰ هجری دیدند، دلیل آن را در ماه تحویل سال جستجو کنند.

۲. در این زمینه تحقیقات گسترده‌ای صورت گرفته است. برای نمونه در مورد آغاز سال یازدهم هجری قمری ر.ک. «گاه‌نامه تطبیقی سه هزار ساله»: ص ۸۳، تألیف احمد بیرشک.

خدا را شاهد می‌گیرم، خدا را شاهد می‌گیرم، درباره رفتارتان با عترت و اهل بیت. همانا فاطمه پاره تن من است و دو فرزندش بازوان من‌اند. من و شوهرش مانند نور هستیم. بار خدایا! آن کس که بر آنان لطف نمود او را رحمت کن و هر کس به آنان ظلم کرد، او را مشمول رحمتت مساز...»

پیامبر ﷺ نیک می‌دانند که اهل این دیار را عهد و رحمتی نیست. اشک‌های آن حضرت در پی این خطبه، گواه این آگاهی است.<sup>۱</sup>

---

۱. ابن جبرئیل قمی، الروضة فی فضائل امیرالمؤمنین [علیه السلام]، تحقیق علی شکرچی، چاپ اول، ۱۴۲۳ هـ ق، صص ۱۶۷-۱۶۸، «به نقل از نرم‌افزار مکتبه اهل‌البیت [علیهم السلام]؛ بحارالانوار، ج ۲۳، صص ۱۴۳-۱۴۴.

زمان: ماه محرم سال ۱۱ هجری قمری، نیمه دوم فروردین و اوائل

اردیبهشت سال ۱۱ هجری شمسی، آوریل سال ۶۳۲ میلادی

مکان: مدینه منوره

دو ماه تا رحلت



### اتمام حجّت پیامبر ﷺ با همسران خویش

سیره رسول خدا ﷺ این بود که هر شب در منزل و حجره یکی از زنان خود می رفتند و در انتهای شب به جهت تهجد و عبادت به منزل خویش که در قسمت شرقی مسجد بود، باز می گشتند. این روش در ماه های آخر عمر شریف نبوی ﷺ تغییر کرد. آن حضرت پس از بازگشت از سفر حج خویش، نزدیک به یک ماه، فقط به منزل همسر نیکوکار خویش «أم سلمه» رفت و آمد می کردند.<sup>۱</sup>

این امر با توجه به امکان توطئه نسبت به وجود پیامبر ﷺ - همانند آن چه در گردنه اُرشی اتفاق افتاد - می توانست کاملاً طبیعی باشد. جالب آن است که دیگر همسران پیامبر ﷺ نسبت به این مسأله اعتراضی نداشتند و علی رغم این که در موارد متعددی، برخی از آنان با سر و صدا و بعضاً پرخاشگری اعتراض خویش را نسبت به

۱. ارشاد القلوب، ج ۲، ص ۲۰۱؛ بحار الانوار، ج ۲۸، ص ۱۰۶.

رسول خدا ﷺ نشان می‌دادند، این بار سکوت اختیار کرده بودند. این سکوت به روشنی وضعیّت تأمل برانگیز دو ماه آخر عمر شریف را نشان می‌دهد.

به هر روی، رسول خدا ﷺ، در انتهای این ماه - ماه محرم سال ۱۱ هجری - به خادمهٔ امّ سلمه فرمان می‌دهند که تمامی همسران پیامبر ﷺ را فرا بخواند تا همگان در منزل امّ سلمه جمع شوند. پس از آن که همهٔ همسران آن حضرت، حضور پیدا می‌کنند، پیامبر ﷺ امیر مؤمنان را در کنار خویش می‌نشانند و با اشاره به آن حضرت، خطاب به همسرانشان می‌فرماید:

«به آن چه می‌گویم گوش فرا دهید. این فرد، برادر من، وصی من، وارث من و قیام کننده در میان شما و تمام امت (مسلمان) پس از من است. به آن چه دستور می‌دهد گوش فرا دهید و از اطاعت او سربیزی نکنید که به آن گناه، هلاک خواهید شد.»

در انتهای این ماجرا، رسول خدا ﷺ اجازهٔ طلاق همسران خود را پس از وفات به امیر مؤمنان را می‌دهند و می‌فرماید:

«هر یک از آنان که از سخت سربیزی نمود، او را طلاق ده.»<sup>۱</sup>

با توجه به این که زنان رسول خدا ﷺ به احترام پیامبر ﷺ اجازهٔ ازدواج با غیر را نداشتند، چنین طلاق - آن هم پس از وفات رسول خدا ﷺ - به معنای دوری از جایگاه همسری پیامبر خاتم ﷺ و محرومیّت از لطف رسول رحمت ﷺ در سرای باقی است.

۱. ارشاد القلوب، ج ۲، ص ۲۰۲؛ بحار الانوار، ج ۲۸، ص ۱۰۷.

تاریخ گواهی می‌دهد که چنین طلاق، حداقل در مورد یکی از زنان پیامبر ﷺ پس از جنگ جمل - در سال ۳۶ هجری - در شرف وقوع بوده است<sup>۱</sup> و نهایتاً در سال ۵۰ هجری قمری توسط سیدالشهداء به اجرا در می‌آید.<sup>۲</sup>

### دومین صحیفه و عهد نامه<sup>۳</sup>

در همین ماه، جلسه‌ای در منزل ابوبکر تشکیل می‌شود. در این جلسه سی و چهار نفر حضور دارند. نام بزرگانی از قریش و سران دو قبیله اوس و خزرج در میان اعضای این جلسه دیده می‌شود. سعید بن عاص اُموی نویسنده پیمانی است که اعضای جلسه بر مفاد آن توافق دارند:

«بسم الله الرحمن الرحيم، این نوشته، پیمانی است که گروهی از اصحاب محمد رسول خدا از مهاجرین و انصار - که خداوند آنان را در کتاب خویش ستوده است - بر آن توافق دارند... پس به درستی که خداوند به لطف و کرم خویش محمد را به سوی تمامی مردم فرستاد، او را فرستاد با دینی که برای بندگان به آن راضی بود... او امر الهی را ابلاغ

۱. صدوق، کمال الدین، مؤسسه نشر اسلامی، قم، چاپ سوم، ۱۴۱۶ هـ.ق، ص ۴۵۹؛ طبری، دلائل الإمامة، منشورات الرضی، قم، چاپ سوم، ۱۳۶۳ هـ.ش، ص ۲۷۷؛ ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی، چاپ اول، ۱۴۲۱ هـ.ق، ص ۱۵۳؛ بحارالانوار، ج ۳۸، ص ۷۴ و صص ۸۸-۸۹.

۲. مسعودی، اثبات الوصیة، مؤسسه انصاریان، قم، ۱۴۱۷ هـ.ق، ص ۱۶۳.  
 ۳. اولین صحیفه، چندی پیش و در ایام حجّة الوداع نگاشته شده است. برای بررسی بیشتر ر.ک. اسرار غدیر، محمد باقر انصاری، نشر مولود کعبه، قم، چاپ اول، (ویرایش سوم)، ۱۴۲۱ هـ.ق، صص ۷۶-۷۹.

نمود تا آن که دین کامل گشت... سپس خدای متعال او را با اکرام به سوی خویش برد، بدون آن که کسی را به عنوان جانشین انتخاب کند... پس بر مسلمانان واجب است که هرگاه دوران خلیفه‌ای به پایان رسید، صاحبان خرد و صلاح به مشورت بنشینند و آن کس را که لایق است، انتخاب کنند... حال اگر کسی بر خلاف سخن فوق، مطلبی گوید... با اجتماع مسلمانان مخالفت کرده است...»

وعدۀ مال و مقام به شاهدان این ماجرا داده می‌شود. بدین ترتیب سعید بن عاص نام حاضران را می‌نویسد و پیمان نامه به ابو عبیده داده می‌شود. او به عنوان «امین»، امانت داری این عهد نامه را به عهده می‌گیرد تا در اولین فرصت آن را در مکه و در خانه کعبه - در کنار صحیفه اول - مدفون کند تا این نوشته به عنوان سند، محفوظ بماند.<sup>۱</sup> حاضران در جلسه، با شهادت بر اجرای این عهد نامه، منزل ابوبکر را با رعایت احتیاط کامل ترک می‌کنند.

فردا صبح، پیامبر ﷺ پس از نماز صبح در جایگاه عبادت خویش به ذکر خداوند مشغول هستند. با طلوع آفتاب، پیامبر ﷺ رو به سمت ابو عبیده - که در صف نماز ایستاده بود - می‌کنند و می‌فرمایند:

«أفرین به مثل تو، امین این امت شده‌ای؟»<sup>۲</sup>

سپس آیه زیر را تلاوت فرمودند:

۱. دیلمی، ارشاد القلوب، ج ۲، ص ۲۰۰؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۸، ص ۱۰۴.

۲. جالب آن است که در منابع عامه، این جمله را با حذف بقیه ماجرا به عنوان امتیاز برای «ابو عبیده» نقل می‌کنند و او را «امین امت» لقب می‌دهند!! برای نمونه ر.ک. ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۹ هـ، ج ۲، ص ۴۴؛ بغوی، معالم التنزیل، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۰ هـ، ج ۴، ص ۲۴۷، «هر دو به نقل از نرم افزار جامع التفاسیر».

﴿فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُمُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ... فَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا كَتَبَتْ أَيْدِيهِمْ وَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا يَكْسِبُونَ﴾<sup>۱</sup>

وای بر آن کسانی که از پیش خود چیزی نوشته و به خدای متعال نسبت می‌دهند... پس وای بر آن‌ها از آن نوشته‌ها و آن چه از آن به دست می‌آورند.

آن‌گاه فرمودند: عده‌ای از این امت معاهده‌ای نوشته‌اند که به معاهده‌ی زمان جاهلیت که در کعبه آویخته بودند، شبیه است... اگر نبود امر الاهی، آنان را فرا می‌خواندم [و رسوایشان می‌کردم].

کسانی که شب قبل در منزل ابوبکر حضور داشتند و اینک در مسجد حاضرند، رنگ از رخسارشان می‌پرد و بر خود می‌لرزند.<sup>۲</sup> آنان گمان می‌برند که هر آیه‌ای نازل می‌شود و هر مثالی که قرآن می‌گوید آنان را هدف قرار داده است.

### دیگر حکایت‌گر ماجرا

آری، خداوند به سلاح وحی، پیامبر خویش ﷺ را از آن چه دیشب گذشته است، آگاه می‌کند. اما تاریخ‌نویسان به طریق دیگری نیز ماجرای فوق را حکایت کرده‌اند.

همسر ابوبکر، اَسْمَاء بنت عُمَیْس<sup>۳</sup> که جلسه در منزل او تشکیل

۱. بقره: ۷۹.

۲. دیلمی، ارشاد القلوب، ج ۲، صص ۲۰۰-۲۰۱؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۸، صص ۱۰۵-۱۰۶.

۳. اَسْمَاء فرزند عُمَیْس، پیش از این، افتخار همسری جعفر بن ابی طالب را داشت. با شهادت



شده، حکایت‌گر پیمان‌نامه برای آیندگان است. این بانوی مسلمان، پس از مرگ ابوبکر در سال ۱۳ هجری قمری، افتخار همسری امیر مؤمنان علیه السلام را دارد.

### ثقلین: یگانه راه

از گوشه و کنار مدینه، خبرهایی به گوش می‌رسد که نشان می‌دهد، سکوت فعلی شهر، حکایت آرامش قبل از طوفان را دارد.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم که نیک می‌دانند، برخی چه هوسی را در سر می‌پرورانند، در تلاش برای آن که حجت را حتی بر این سیاست‌بازان نیز تمام کنند، در هر شرایطی به آنان این توجه را می‌دهند که صلاح دنیا و آخرت آنان، پیروی از جانشینان بر حق خداوند و اولیاء الاهی است. راه دیگری جز فساد، تباهی و خون‌ریزی وجود نخواهد داشت حتی اگر به ظاهر نام اسلام را بر خود داشته باشد.

تاریخ حکایت می‌کند که پس از بازگشت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از حجة الوداع، پیامبر در هر فرصتی، مسلمانان را هشدار می‌دادند و با چنین عباراتی، حدیث ثقلین را باز می‌گفتند:

«ای مردمان، شما روز قیامت بر سر حوض کوثر بر من وارد می‌شوید: من آن روز از رفتارتان درباره ثقلین خواهم پرسید. بنگرید که پس از من با آن دو چه می‌کنید! بدرستی که خداوند آگاه، مرا خبر داده است که آن دو، تا روز قیامت جدایی ناپذیرند... بدانید که من کتاب خدا و عترت و اهل بیت را در میان شما به

---

۴۲ جناب جعفر در سال ۸ هجق و در جنگ مؤتة، وی به از دواج ابوبکر درمی‌آید که حاصل این ازدواج فرزندی به نام محمد است. محمد بن ابی‌بکر از یاران نیک کردار امیر مؤمنان علیه السلام می‌شود.

یادگار می‌گذارم. از آنان سبقت نجوید و در حق آنان کوتاهی نکنید که هلاک می‌گردید و تفرقه بر شما مستولی خواهد شد... [تا آن جا که] برخی از شما، برخی دیگر را می‌کشند و خون در میانتان به راه خواهد افتاد.»

آری، پیامبر ﷺ در هیچ مجلسی شرکت نمی‌کردند، مگر آن که مردمان را با جمله‌هایی همانند آن چه بیان شد، توجه می‌دادند. <sup>۱</sup> به نظر می‌رسد رسول خدا ﷺ در طی ماه محرم سال آخر عمر شریفشان، بارها به حدیث ثقلین اشاره فرموده‌اند.

---

۱. مفید، ارشاد، دار المفید للطباعة و النشر و التوزیع؛ بیروت، چاپ دوم، ۱۴۱۴ هـ.ق، ج ۱، ص ۱۸۰؛ بحار الانوار، ج ۲۲، صص ۴۶۵-۴۶۶.

زمان: نیمه محرم سال ۱۱ هجری قمری، اواخر فروردین سال ۱۱

هجری شمسی، نیمه ماه آوریل سال ۶۳۲ میلادی

مکان: مدینه منوره

## بیش از یک ماه تا رحلت

### آخرین وفد

امیر مؤمنان علیه السلام در سال گذشته از سوی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم برای هدایت مردم کشور یمن، به سوی آن دیار شتافتند. آن حضرت از ماه رمضان سال ده هجری قمری، در یمن بودند و در حجة الوداع به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم پیوستند.

اینک تلاش‌های امیر مؤمنان علیه السلام در هدایت اهل یمن، به بار می‌نشیند و قبیله نخع برای اظهار اسلام خویش در گروهی دوست نفره وارد شهر مدینه می‌شوند. تاریخ نام چنین گروه‌هایی را وفد می‌داند. وفد نخع که از یمن آمده‌اند، آخرین گروهی هستند که برای ملاقات با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در نیمه محرم سال ۱۱ هجری قمری وارد مدینه می‌شوند.<sup>۱</sup>

---

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۱، ص ۴۰۹ و از مدارک اهل تسنن: ابن‌عبدالبر، استیعاب، دارالجیل، بیروت، ج ۲، ص ۵۱۷، «به نقل از نرم‌افزار مکتبه اهل‌البيت علیهم السلام».

اواخر محرم سال ۱۱ هجری قمری، نیمه اول اردیبهشت سال ۱۱  
هجری شمسی، اواخر مارس سال ۶۳۲ میلادی

یک ماه تا رحلت



### پیشوایان نار

پیامبر ﷺ در خطابه غدیر، به گروهی اشاره فرمودند که از آنان با عنوان «پیشوایان راه جهنم» یاد شده است.<sup>۱</sup> این عده، به ظاهر با نام «اصلاح» می‌خواهند برای جامعه بعد پیامبر ﷺ خط مشی جدید تعیین کنند. کلام الهی بیان می‌کند که چنین کاری جز فساد و تباهی نتیجه‌ای در میان نخواهد داشت.<sup>۲</sup>

تلاش این عده در گذشته، تأثیر فراوانی بر حوادث داشته است؛ تا آن‌جا که قرآن اشاره می‌کند که آنان هر سال یک یا دو فتنه بزرگ

---

۱. پیامبر ﷺ در این باره چنین فرمودند: مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّهُ سَيَكُونُ مِنْ بَعْدِي أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا يُنصَرُونَ. مَعَاشِرَ النَّاسِ: إِنَّ اللَّهَ وَ أَنَا بَرِيتَانٍ مِنْهُمْ.  
هان مردمان، به زودی پس از من پیشوایانی خواهند بود که شما را به سوی آتش می‌خوانند و در روز رستاخیز تنها و بدون یاور خواهند ماند. هان مردمان، خداوند و من از آنان بیزاریم.  
برای بررسی بیشتر به متن خطبه غدیر مراجعه نمایید.

۲. برای نمونه رک. سوره بقره: ۱۱ و ۲۰۵. سوره بقره، حکایت‌گر ماجراهای سال اول و دوم هجری قمری است که پیشینه این گروه را نشان می‌دهد.

اجتماعی ایجاد کرده‌اند.<sup>۱</sup> اینک این حلقه تأثیرگذار، در صدد است، پس از رسول خدا ﷺ جای‌گاه خویش را تثبیت کند.

هسته اصلی این گروه به نحوی فعالیت خویش را دنبال می‌کردند که شناسایی رفتار آنان - علی‌رغم تلاش ایشان برای پنهان‌کاری - برای مورّخین غیر شیعی میسر بوده است؛ تا آن جاکه حتی تاریخ‌نویسان غربی نیز بر این مطلب واقف بوده و هستند.

لامنس، در مقاله‌ای به نام «مثلث قدرت: ابوبکر، عمر، ابو عبیده» از همکاری این سه فرد در زمان رسول خدا ﷺ سخن می‌گوید و اشاره می‌کند که این همکاری، خلافت ابوبکر و عمر را پایه‌گذاری کرد. او پیش‌بینی کرده بود که اگر ابو عبیده در دوران خلافت عمر از دنیا نرفته بود، به عنوان جانشین و خلیفه بعدی توسط عمر انتخاب می‌شد.<sup>۲</sup>

جالب آن است که مادلونگ، مستشرق معاصر آلمانی اشاره می‌کند که ابوبکر، باذکاوت خویش، منافع مشترک جامعه اسلامی آن زمان را دریافته بود و با حدس قریب الوقوع بودن وفات پیامبر ﷺ پیشاپیش تصمیم گرفته بود خلیفه پیامبر ﷺ خودش باشد.<sup>۳</sup>

---

۱. توبه: ۱۲۶. سوره توبه، ماجراهای سال نهم هجری و جنگ تبوک را اشاره می‌کند.  
۲. هنری لامنس (۱۸۶۲-۱۹۳۷ م.) مستشرق بلژیکی در مقاله «مثلث قدرت، ابوبکر، عمرو ابو عبیده» در مجموعه مقالات دانشکده مطالعات شرقی دانشگاه سن ژوزف، بیروت، دوره ۴، ص ۱۲۶.  
۳. ویلفرد مادلونگ (متولد ۱۹۳۰ م) در کتاب «جانشینی حضرت محمد ﷺ»، ترجمه: احمد نمایی، جواد قاسمی، محمد جواد مهدوی، دکتر حیدر رضا ضابط: صص ۷۶-۷۷.

### اولین فرمان برای تشکیل سپاه

پیامبر ﷺ برای جلوگیری از دخالت این گروه در آینده اسلام، در ماه محرم - و به خصوص اواخر آن - دستور می‌دهند که مسلمانان برای جنگ در نقاط دور دست آماده باشند. در گذشته چنین حرکت‌های نظامی توسط پیامبر ﷺ معمول بود که کمتر به جنگ تمام عیار - مانند جنگ بدر یا مؤتة - منتهی می‌شد. این لشگرکشی‌ها بیشتر به رزمایشی می‌مانست که مرزهای اسلامی را حفظ می‌کرد و امنیت جامعه مسلمانان را به همراه داشت.

این بار نیز پیامبر ﷺ شمال عربستان و محدوده فلسطین امروزی را که مرز روم شرقی آن زمان بود، هدف قرار دادند؛ تا سپاه مسلمانان به آن جابروند و در عین حال عناصری که احتمال ایجاد فتنه توسط آنان می‌رفت با همراهی این سپاه، از کانون توطئه به دور باشند. اینک پیامبر ﷺ دستور به تشکیل لشگری به رهبری أسامة بن زید بن حارثه را می‌دهند که جوانی ۲۱ ساله است.

همه مسلمانان باید در این سپاه شرکت کنند. تنها فردی که به فرمان پیامبر ﷺ باید در مدینه بماند، امیر مؤمنان علی هستند. گزارش‌های تاریخی حکایت می‌کند که ۴۰۰۰ نفر در این سپاه شرکت داشته‌اند که برخی به دستور مستقیم پیامبر ﷺ باید این سپاه را همراهی می‌کردند.

نام برخی از این افراد که در تاریخ آمده چنین است:

۱- ابوبکر

۲- عمر

۳- ابو عبیده

۴- سعد بن ابی وقاص

۵- سعید بن زید بن عمرو بن نفیل

۶- عیاش بن ابی ربیعه

۷- أسید بن حُصَیر

۸- کثیر بن سعد

۹- سلمة بن أسلم بن حریش

۱۰- قتادة بن نَعْمَان

تعجبی نخواهد داشت که نام نویسندگان صحیفهٔ اوّل و هم پیمانانِ صحیفهٔ دوّم را در میان این اسامی مشاهده کنیم. جالب آن است که بسیاری از کسانی که در هجوم به خانهٔ حضرت صدیقهٔ طاهره علیها السلام شرکت داشته‌اند، نامشان در فهرست بالا دیده می‌شود.

چهارشنبه، ۹ صفر سال ۱۱ هجری قمری، ۲۲ اردیبهشت سال ۱۱

هجری شمسی، ۸ می سال ۶۳۲ میلادی

۱۹ روز تا رحلت



### پیامی برای آگاهان

در این روز به فرمان رسول خدا ﷺ، امیر مؤمنان علیؑ در میان اهل مدینه به آواز بلند می‌فرماید:

«ای مردم، [پیامبر فرمان داده است که بگوییم:] هر کس، کسی را که باید به او اجر دهد، مورد ظلم قرار دهد، خداوند رحمتش را از او دریغ می‌کند و مستحق لعنت الاهی است. [ای مردم!] هر کس غیر ولی خود را تبعیت کند، لعنت خدا بر اوست. [ای مردم!] هر کس به پدرانش ناسزا گوید، مستوجب خشم و لعن الاهی است.»

این سخنان، به گونه‌ای بیان گردید که توجه اهل مدینه را به خود جلب نمود. عده‌ای که در میان آن‌ها، عمر بن خطاب بود به سراغ امیر مؤمنان علیؑ آمدند و از کُنه و تفسیر سخن پرسش نمودند. امیر مؤمنان علیؑ فرمودند: خدا و رسول آگاه‌ترند!

اکنون جماعت به سوی رسول خدا ﷺ در حرکت‌اند. پس از ورود به خانه رسول خدا ﷺ، عمر به صدا در می‌آید: ای رسول خدا، تفسیر آن سخن چیست؟



پیامبر فرمودند:

«قرآن می‌فرماید: ﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ﴾<sup>۱</sup>: [ای پیامبر،] بگو، که از شما اجر و مزد [برای رسالت] نمی‌خواهم مگر این که به خاندانم محبت کنید.» پس هر کس در این اجر، ظلم کند، مستحق لعن الاهی است. [و باز] قرآن می‌فرماید: ﴿النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ﴾<sup>۲</sup>. پیامبر ﷺ، از مومنان بر خودشان اولی و سزاوارتر است.»

من نیز در غدیر خم گفتم: مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْهِ مَوْلَاهُ: هر کس را که من ولایت دار اویم، پس این علی ولایت دار اوست؛ پس هر کس غیر علی را برگزیند، لعنت خداوند بر اوست.»

سپس پیامبر ﷺ فرمودند:

«به علی امر کردم که در میان شما بگوید: هر کس پدرانش را دشنام دهد، پس لعنت الاهی بر اوست. اینک من خدا را شاهد می‌گیرم و شما را گواه می‌دانم بر این که من و علی پدران اهل ایمان هستیم. پس هر کس یکی از ما دو تن را دشنام گوید، لعن و نفرین الاهی شامل اوست.»

کسانی که در خانه رسول خدا ﷺ بودند، از خانه خارج می‌شوند. عمر رو به دیگران کرده، می‌گوید: ای اصحاب محمّد، امروز پیامبر ﷺ آن چنان ولایت علی را محکم نمود که حتی در روز غدیر خم نیز چنین نکرده بود!<sup>۳</sup>

۱. شوری: ۲۳.

۲. احزاب: ۶.

۳. ابن طاووس، طرف من الأنباء و المناقب، انتشارات تاسوعا، مشهد، چاپ اول، ۱۴۲۰ هـ ق،

صص ۱۸۵ - ۱۸۸؛ بحار الانوار، ج ۲۲، صص ۴۸۹ - ۴۹۰.